

بررسی چند نقشی بودن همزمانی نقش‌نمای گفتمانی «حالا» از منظر (بین)ذهنی شدگی

اعظم نورا^۱

عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان

(از ص ۱۲۱ تا ص ۱۴۰)

تاریخ دریافت مقاله: ۹۴/۵/۳۱؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۴/۹/۳

چکیده

این مطالعه با اتخاذ رویکرد گفتمانی-کاربردشناختی، چند نقشی بودن همزمانی نقش‌نمای گفتمانی «حالا» را در زبان فارسی عامیانه، از منظر (بین)ذهنی شدگی، بررسی می‌کند. بررسی پیکره همزمانی مورد بررسی نشان می‌دهد که مطابق پیش‌بینی تراگوت و داشر (۲۰۰۲)، در (۲۰۱۰)، دگانند و وندنبرگن (۲۰۱۱)، نقش‌نمای گفتمانی مذکور، در امتداد طیف مربوط به گرایش همگانی (بین)ذهنی شدگی، پیشروی کرده اما در مقایسه با نقش‌نمای گفتمانی متعارف، از پیچیدگی بیشتری برخوردار است. به عبارت دیگر، از مجموع مؤلفه‌های موقعیت گفتمان، عنصر زبانی مذکور، علاوه بر معانی (بین)ذهنی مرتبط با مؤلفه‌های نگرش‌گوینده و تعامل‌گوینده-شنونده، معنای مرتبط با مؤلفه اطلاعات کاربردشناختی (کاربرد پیش‌انگاشتی) را نیز اکتساب نموده است.

واژه‌های کلیدی: ذهنی‌شدگی، بین‌ذهنی‌شدگی، نقش‌نمای گفتمان، موقعیت گفتمان، کاربرد پیش‌انگاشتی

۱- مقدمه

بررسی پدیده نقش‌نمای گفتمان^۱ پیشینه نسبتاً زیادی دارد که با تحقیق شیفرین^۲ (۱۹۸۷)، اهمیت بسزایی در سنت مطالعات زبانشناسی پیدا کرد. اولین بار، لوینسون^۳ (۱۹۸۳: ۸۸) این عناصر زبانی را، عناصر اشاره‌ای گفتمان^۴ نامید. از نظر او، این عناصر زبانی بر وجود رابطه، بین گفته جاری و گفتمان قبلی دلالت می‌کنند. شیفرین (۱۹۸۷) نیز به تأسی از او، نقش‌نماهای گفتمانی را متعلق به رشته کلام دانست و معتقد بود که این عناصر زبانی ارزیابی‌ای را از گفته میزبان خود ارائه کرده و همچنین، موضع گوینده در مقابل شنونده و توقعات گوینده را نشان می‌دهند. لذا، آسمان^۵ (۱۹۹۵)، معتقد است که از طریق آنها می‌توان درباره نگرش‌های گوینده، استنباط‌هایی داشت.

بعلاوه، این عناصر بسته به بافتی که در آن قرار می‌گیرند چندین نقش دارند. درخصوص این نقش‌های چندگانه، راه‌حل‌های گوناگونی پیشنهاد شده است همچون تک معنایی و چند معنایی^۶. در این راستا، مهمترین تحول معنایی نقش‌نماهای گفتمان، که مبنای مطالعه حاضر قرار گرفته است، (بین)ذهنی‌شدگی^۷ می‌باشد. تراگوت و داشر^۸ (۲۰۰۲) و همچنین نیوتز^۹ (۲۰۱۲)، استدلال‌هایی ارائه کرده‌اند مبنی بر این که معانی به سمت ذهنی‌شدگی^{۱۰} بیشتر می‌روند یعنی با نگرش گوینده، بخصوص نگرش فرامتنی به جریان کلام همراه می‌شوند. لذا، در تحول معنایی حاصل از دستوری‌شدگی گفتمانی/کاربردشناختی‌شدگی، اهمیت کاربرد شناختی و ذهنی‌شدگی افزایش می‌یابد. در این خصوص، علاوه بر محققان فوق، دفور^{۱۱} (۲۰۰۷) نیز معتقد است که چند نقشی بودن همزمانی نقش‌نماهای گفتمان، می‌تواند به فرضیات در زمانی تغییر زبان یعنی به فرایندهای دستوری‌شدگی و ذهنی‌شدگی مرتبط باشد.

-
1. discourse marker
 2. Schiffrin, D.
 3. Levinson, S. C.
 4. discourse deixis
 5. Ostman, J.
 6. polysemy
 7. intersubjectification
 8. Dasher, R.
 9. Nuyts, J.
 10. subjectification
 11. Defour, T.

با توجه به توضیحات فوق، پژوهش حاضر با اتخاذ رویکرد گفتمانی-کاربردشناختی، چند نقشی بودن همزمانی نقش‌نمای گفتمانی «حالا» را در زبان فارسی عامیانه، از منظر (بین‌ذهنی‌شدگی، بررسی می‌کند. این مطالعه نشان می‌دهد که مطابق پیش‌بینی تراگوت و داشر (۲۰۰۲) و سایر محققان فوق، عنصر زبانی مذکور، در امتداد طیف مربوط به گرایش همگانی (بین‌ذهنی‌شدگی، پیشروی کرده است اما در مقایسه با نقش‌نماهای گفتمانی متعارف، از پیچیدگی بیشتری برخوردار می‌باشد.

۲- مبانی نظری

تراگوت در همکاری با محققانی همچون کونیش^۱ و داشر، نظریه تغییر معنایی مبتنی بر بر بافت^۲ را در چارچوب کاربرد شناسی مطرح کرده است. اولین بار، او در تراگوت و کونیش (۱۹۹۱) از این رویکرد، در مقابل تغییر معنایی مبتنی بر استعاره و یا مبتنی بر معنزدایی^۳، دفاع کرد. به اعتقاد کُر^۴ (۲۰۱۳)، تراگوت از مهمترین افرادی است که در مطالعه تغییر معنایی-کاربردشناختی، ارتباط بین دستوری‌شدگی و ذهنی‌شدگی را به خوبی نشان داده است. تراگوت (۱۹۸۲: ۲۵۶-۲۵۲)، با ارجاع به تمایزی که هلیدی و حسن (۱۹۷۶: ۲۶) بین مؤلفه‌های نظام زبان قائل شده‌اند (اندیشگانی/گزاره‌ای، متنی، و بین فردی)، یکسویگی تغییر معنایی را، به صورت طیف معنای گزاره‌ای (< معنای متنی) < معنای بیانی/ابرازی^۵، مطرح کرد. او بر این باور بود که طیف فوق دربردارنده ذهنی‌شدگی بوده، و نظم حاکم بر آن به گونه‌ای است که اجازه پیش‌بینی در مورد مسیر و جهت‌مندی تغییر معنایی را می‌دهد.

لازم به ذکر است که تراگوت (۱۹۸۹: ۳۵-۳۴)، برای تعدیل دیدگاه خود، سه اصل معناشناختی-کاربردشناختی دستوری شدن را در قالب سه گرایش همگانی تغییر معنایی مطرح کرده و معتقد است که گرایش سوم مشتمل بر مهمترین تغییر معنایی بوده و مطابق آن، معانی به طور فزاینده‌ای مبتنی بر نگرش ذهنی گوینده نسبت به گزاره می‌باشند.

1. Konig, E.
2. context-based semantic change
3. desemanticization
4. Chor, W.
5. expressive

به‌علاوه، از نظر تراگوت و داشر (۲۰۰۲)، عناصر زبانی در مسیرهای قابل پیش‌بینی دچار تغییر معنایی منظمی می‌شوند. این تغییرات، بیانگر گرایش‌های همگانی در زبان‌های مختلف برای تغییر معنا می‌باشد. در واقع، تکرارپذیری، قاعده‌مندی و نظم حاکم بر این تغییرات در زبان‌های مختلف و بدون ارتباط با یکدیگر، در عین آنکه مطلق نیست اما به قدری زیاد است که از نظر آنها، ریشه در فرایندهای ارتباطی و شناختی مشابهی دارد. تراگوت و داشر (۲۰۰۲) این قاعده‌مندی را به صورت طیف‌های مختلفی مطرح می‌کنند که مهمترین آنها طیف ذهنی‌شدگی است. در واقع، طیف مذکور بازنگری طیف غیرگزاره‌ای شدن تراگوت (۱۹۸۲) می‌باشد که به صورت زیر مطرح می‌شود:

(۱) معنای غیرذهنی < معنای ذهنی < معنای بین ذهنی

لازم به ذکر است که، تراگوت و داشر (۲۰۰۲) ذهنی‌شدگی را فرایندی متضمن چند معنایی می‌دانند که بواسطه آن، گوینده به مرور، لغات و ساخت‌ها را، در معنایی‌ای به کار می‌گیرد که نگرش او را بیان می‌کنند، همچون کاربرد قیود به عنوان نقش‌نمای گفتمان. آنها معتقدند که در تغییرات معنایی دربردارنده چند معنایی، رابطه جفتی گوینده/مخاطب را به عنوان مذاکره کنندگان معنا، پیش‌انگاشت می‌گیریم. با این وجود، در این تغییرات معنایی، گرایش اصلی به سمت ذهنی بودن بیشتر و بیان نگرش گوینده است، زیرا او آغازگر اصلی تغییر می‌باشد. با این حال، ممکن است که به مرور زمان، توجه آشکار بیشتری به مخاطب شده و معنای به سمت بین ذهنی‌شدگی نیز گرایش یابند.

تراگوت و داشر (۲۰۰۲) معتقدند که بین ذهنی‌شدگی، فرایندی است که بواسطه آن، معنای، نگرش گوینده را به مخاطب، نمایه می‌کنند. بنابراین، فرایند مذکور، زیرمجموعه ذهنی‌شدگی بوده و آن را پیش‌انگاشت می‌گیرد. همچنین، قسکوآری^۱ و دیگران (۲۰۱۲)، با در نظر گرفتن رویکرد تراگوت به بین ذهنی بودن/شدگی، بین ذهنی‌شدگی را به سه نوع نگرشی، واکنشی، و متنی تقسیم می‌کنند.

1. Ghesquiere, L.

۳- قید زمان «حالا»

فرهنگ نویسان زبان فارسی (عمید، ۱۳۴۲؛ معین، ۱۳۷۴؛ انوری، ۱۳۸۲؛ صدری و حکمی، ۱۳۸۲) کلمه «حالا» را قید زمان و به معنای الان، اکنون، و زمانی که در آن هستیم، در نظر گرفته‌اند البته، انوری (۱۳۸۲)، آن را اسم نیز می‌داند. اما نکته قابل توجه این است که این فرهنگ نویسان، «حالا» را در معانی گفتمانی نیز، قید در نظر گرفته‌اند. به عنوان مثال، انوری (۱۳۸۲) به چند کاربرد گفتمانی «حالا»، با عنوان قید در گفتگو اشاره می‌کند.

در هر حال، ماهیت اشاره‌ای «حالا» به عنوان یک قید زمان، روی تکامل نقش‌های مختلف کاربردشناختی و کاربرد آن در سطوح مختلف گفتمان تأثیر مستقیمی داشته است. شیفرین (۱۹۸۷) نیز به این نکته اذعان کرده و معتقد است که برای درک کارکردهای گفتمانی نقش‌نماهای مشتق شده از قیود زمان، علاوه بر زمان ارجاعی^۱، باید زمان رخدادی^۲ و زمان گفتمانی را نیز مورد توجه قرار دهیم. به عبارت دیگر، توالی رویدادها در جهان خارج، به مثابه تمهیدی برای بازنمود ساختار گفتمان مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۴- بافت های انتقالی کاربرد «حالا»

بیشتر مطالعاتی که به بررسی قید زمان «حالا» در زبان‌های مختلف پرداخته‌اند، روی نقش‌های متنی آن و ارتباط بین ویژگی‌های اشاره‌ای «حالا» و پیشروی در زمان گفتمان تمرکز کرده‌اند. با این وجود، آیمر (۲۰۰۲) مدعی است که استفاده گفتمانی از کلمه‌ای به معنای حالا در زبان‌های مختلف، به دلیل پیوند با گوینده، فراتر از همه، نشانگر وجهیت ذهنی بوده و بقایای معنای زمانی و ماهیت اشاره‌ای، در کاربردهای کاربردشناختی آن قابل دسترسی است.

به نظر می‌رسد که قید زمان «حالا» نیز، به دلیل ویژگی اشاره‌ای، بطور نزدیکی به گوینده و زمان و مکان او مرتبط بوده و این امر در تکامل معنایی این نقش‌نمای گفتمانی به وضوح قابل لمس است. بررسی داده‌های زبان فارسی نشان می‌دهد که در تحول معنایی این نقش‌نمای گفتمانی، معنای زمانی به تدریج به نفع معنایی گفتمانی،

1. reference time

2. event time

کمرنگ شده است. بعلاوه، بافت کاربرد آن، از بافت‌های کاربرد زمانی یا گزاره‌ای، به بافت‌های انتقالی، و سپس به بافت‌های گفتمانی تغییر یافته است، اما همچنان در معانی جدید نیز، ماهیت اشاره‌ای «حالا» و برجستگی گوینده محسوس است. منظور از بافت‌های انتقالی، بافت‌هایی است که در آنها بین کاربردهای گزاره‌ای و گفتمانی این عناصر زبانی، هم پوشانی وجود داشته، استنباط‌های کاربردشناختی به نفع معانی جدید مطرح شده و نقش‌نمای مربوطه، هنوز به مراحل بالاتری از دستوری‌شدگی نرسیده است. در واقع، وجود چنین بافت‌هایی دیدگاه تراگوت (۲۰۱۰) را مبنی بر تقدم تقویت کاربردشناختی بر معنزدایی تأیید می‌کند، زیرا استنباط‌های کاربردشناختی به نفع معانی جدید مطرح شده و در نتیجه آن، معنای اولیه کمرنگ می‌شود (معنزدایی).

در خصوص نقش‌نمای گفتمانی «حالا»، بافت‌های انتقالی کاربرد آن را می‌توان به کاربرد روایی، کاربرد مشتمل بر فرابیان موضوعی^۱، و کاربرد در ساخت‌های جلب‌کننده توجه مخاطب، تقسیم کرد. به نظر می‌رسد که اولین بافت انتقالی، که در آن «حالا» از کاربرد اصلی خود به عنوان قید زمان حال، قدری فاصله گرفته و آماده اکتساب نقش‌های گفتمانی/کاربردشناختی شده است، بافت‌هایی است که در آنها مرکز اشاره به یکی از شخصیت‌های روایتی که گوینده بیان می‌کند، فرافکنی می‌شود. در این کاربرد، عنصر زبانی به نقطه‌ای در زمان روایت اشاره دارد. در واقع، گوینده با این کار ضمن برجسته کردن نقطه خاصی در روایت، اقتدار ذهنی خود را برای سازماندهی (زیر) موضوعات متوالی نشان می‌دهد. در نمونه زیر، استفاده از «حالا» به همراه یک فعل زمان گذشته، به عنوان نشانگر یک دیدگاه روایی شخصی عمل می‌کند:

(۱) ... حالا لیلیا از خودش می‌پرسید که کارش چه نتیجه‌ای داشته و ...

همانگونه که ملاحظه می‌کنید، چنین نمونه‌هایی نشان می‌دهد که چگونه گوینده از «حالا» استفاده می‌کند تا علاوه بر موقعیت‌سازی متن، در زمان روایت، روی نقطه خاصی تمرکز کند. به بیان دیگر، گوینده از طریق برجسته کردن نقاط خاصی از روایت، اقتدار خود را در هدایت پیشرفت موضوعی گفتمان، به نمایش گذاشته و همچنین، با کم کردن فاصله بین زمان وقوع رخداد (واقعی یا فرضی) و زمان تعریف رخداد، هم صحبت‌ها را بیشتر درگیر روایت کرده و همبستگی آنها را افزایش می‌دهد.

بافت انتقالی دیگری که بیانگر حرکت بیشتر «حالا» به سمت معانی مرتبط با موقعیت گفتمان است، بافت‌هایی است که دِفُور (۲۰۰۷)، آنها را مشتمل بر فرابیان موضوعی می‌داند. چنین ساخت‌هایی به مرور، بواسطه دستوری شدگی، دچار سایش/تقلیل آوایی شده و اغلب در گفتگوهای روزمره، فقط «حالا» در نقش متنی اعلام تغییر موضوع، باقی می‌ماند:

(۲) ... حالا حاج آقا، اجازه بدین خدمتون عرض کنم که سال خمسی من اول شعبانه ... (حسن به روحانی مسجد)

در نمونه فوق، قید زمان «حالا» به همراه فعلی به معنای گفتن به کار رفته و فرابیانی را ایجاد می‌کند که ناظر به تغییر موضوع و یا خاتمه بخش قبلی گفتمان است. بعلاوه، چنین ساخت‌هایی به گوینده اجازه می‌دهد که در مورد چگونگی سازماندهی واحدهای بعدی گفتمان، دیدگاه خود را اعمال کند. به عبارت دیگر، گوینده بواسطه معنای اشاره‌ای «حالا»، مراحل خاصی را در پیشرفت موضوعی گفتمان مشخص کرده و زیر-بخش‌های آتی گفتمان را برجسته می‌کند.

همچنین، در برخی از کاربردهای قید زمان «حالا»، گوینده بلافاصله مخاطب را مورد خطاب قرار داده و یا یک فعل امری را به عنوان راهبردی گفتمانی، برای جلب توجه مخاطب به کار می‌برد (مثل حالا گوش کن/ ببین ...). این کاربردها، سر آغاز حرکت تدریجی «حالا» به سمت معانی و نقش‌های متنی و (بین) ذهنی است. در واقع، در این بافت‌های انتقالی، مخاطب تشویق می‌شود که گوینده را در انتقال به یک (زیر) موضوع جدید همراهی کرده و در پیشرفت موضوعی گفتمان سهم بیشتری را ایفا کند. بنابراین، در بافت‌های انتقالی، «حالا» علاوه بر این که یک اشاره‌ای زمانی^۱ است، به دلیل ایفای نقش مدیریت موضوعی گفتمان، یک اشاره‌ای گفتمانی^۲، نیز می‌باشد.

در مجموع، بررسی کاربردهای مختلف «حالا» در زبان روزمره، نشان می‌دهد که این قید با به کار رفتن در بافت‌های انتقالی، به تدریج تحت فرایند دستوری شدگی قرار گرفته و به عنوان یک نقش‌نمای گفتمانی عهده دار معانی مختلف مرتبط با

1. temporal deictic

2. discourse deictic

مؤلفه‌های موقعیت گفتمان^۱ شده است. در قسمت زیر بر اساس داده‌های جمع‌آوری شده از مکالمات روزمره، وبلاگ‌های فارسی و گفت‌وگوهای تلویزیونی، به بررسی برخی از مهمترین نقش‌های (بین‌ذهنی) این عنصر زبانی می‌پردازیم.^۲

۵- نقش ذهنی (مؤلفه نگرش گوینده)

مطابق پیش‌بینی محققانی همچون تراگوت و داشر (۲۰۰۲)، در^۳ (۲۰۱۰)، و دِگاند و وِندنبرگن (۲۰۱۱)، نقش‌نمای گفتمانی «حالا»، عهده دار نقش‌های مرتبط با مؤلفه نگرش گوینده، از مجموع مؤلفه‌های موقعیت گفتمان نیز شده است. اکتساب این نقش‌های ذهنی، ناظر بر سومین گرایش تغییر معنایی تراگوت (۱۹۸۹: ۳۵-۳۴) می‌باشد. برخی از نقش‌های ذهنی این نقش‌نمای گفتمانی عبارتند از درنظرگیری بخش‌های قبلی گفتمان، بیان ارزیابی، بیان موقعیت فرضی، کاهش تعهد گوینده به صدق گفته، استنباط تضمن، و کاربرد امتیازی.^۴

در حالی که ذوقدار مقدم (۱۳۸۱)، نقش‌نمای گفتمانی «حالا» را بعد-نگر می‌داند، بررسی داده‌های زبان عامیانه در پژوهش حاضر، حاکی از آن است که این نقش‌نمای گفتمانی می‌تواند قبل-نگر نیز باشد. به عبارت دیگر، جهت‌گیری «حالا»، نوعاً به آن چیزی است که بعداً در گفتمان مطرح می‌شود اما گاهی استفاده از آن، مشتمل بر درنظر گرفتن مراحل قبلی گفتمان نیز می‌باشد. نقش‌نمای گفتمانی «حالا»، در این کاربرد خاص، نه تنها تغییر به یک (زیر) موضوع جدید را نشان می‌دهد، بلکه آگاهی گوینده از بخش‌های قبلی گفتمان را نیز نمایه‌گذاری می‌کند. به عبارت دیگر، استفاده از آن به اطلاعات مشترک حاصل از بخش‌های قبلی گفتمان اشاره می‌کند و لذا، این کاربرد همزمان متنی، ذهنی و بین‌ذهنی است. از نظر نگارنده، استفاده از «حالا» در این نقش را می‌توان نوعی کاربرد واکنشی در نظر گرفت که بواسطه آن، گوینده به اطلاعات مطرح شده توسط خود یا سایر مشارکین، واکنش نشان می‌دهد. در واقع، این

۱. از نظر کالتن باخ و دیگران (۲۰۱۱)، این مؤلفه‌ها عبارتند از سازماندهی گفتمان، نگرش گوینده، تعامل گوینده و شنونده، منبع اطلاعات، زمان و مکان گفتمانی، و دانش از جهان خارج.

۲. برای اطلاع از پیچیدگی نقش‌های متنی نقش‌نمای مذکور، به نورا (۱۳۹۴) مراجعه نمایید.

3. Der, C.

4. concessive

نقش را می‌توان به دو دسته‌ی تداومی و واکنشی تقسیم کرد. کاربرد تداومی، گوینده-محور بوده و ناظر بر این است که گوینده در نوبت فعلی خود، آنچه را که قبلاً گفته است در نظر می‌گیرد (با در نظر گرفتن آنچه تا قبل از این لحظه گفته ام...). با این وجود، کاربرد واکنشی، مخاطب-محور می‌باشد و ناظر بر این است که گوینده در نوبت فعلی خود، آنچه را که مخاطب قبلاً گفته است، در نظر می‌گیرد. در نمونه‌های زیر، نمونه (۳) بیانگر استفاده از «حالا» در نقش در نظر گیری تداومی، و نمونه (۴)، بیانگر نقش در نظر گیری واکنشی است. همانگونه که ملاحظه می‌نمایید، در نمونه آخر، گوینده از ویژگی قبل-نگر بودن نقش‌نمای گفتمانی «اونوقت»، بهره‌برداری کرده و روی نقش در نظر گیری واکنشی نقش‌نمای گفتمانی «حالا»، تأکید بیشتری کرده است.

(۳) ...تهران یه باد ملایم غرب به شرق داره که بهمون به صفر می‌رسه، حالا شما حساب کنید در زمستون که این قطع میشه بیش از صد هزار تا دودکش یا اگزوز بخاری یا شوفاژی که شما فرمودید، نسبت به تابستون، به جو اضافه میشه! (شبکه ۲، عصر خانواده)

(۴) مریم: مامانم هیچ کسی رو غیر از من نداره، این اواخر پادردش هم بیشتر شده. سمیه: حالا اونوقت میخوای آقای سلطانی و زندگی تو سوئد رو رد کنی فقط به خاطر مامانت!؟

همچنین، نقش‌نمای گفتمانی «حالا»، می‌تواند در نقش ذهنی بیان ارزیابی به کار رود. در واقع، گوینده با پیش زمینه سازی کردن دیدگاه خود، فرصتی را برای تعیین موضع (هماهنگ شدن با دیدگاه گوینده و یا اعلام مخالفت) در اختیار مخاطب قرار می‌دهد. به دلیل این که بیان یک دیدگاه شخصی می‌تواند متضمن تقابل احتمالی با سایر دیدگاه‌ها باشد، و گوینده در هر حال دیدگاه خود را در پیشروی موضوعی گفتمان، به عنوان یک (زیر) موضوع جدید برجسته می‌کند، این نقش علاوه بر ذهنی بودن، متنی نیز می‌باشد. کاربرد نقش‌نمای گفتمانی «حالا» در نقش بیان ارزیابی را می‌توان به دو زیر-نقش پیش زمینه سازی بخشی از گفتمان (نمونه ۵)، و سنجش دو یا چند چیز مساوی (نمونه ۶) تقسیم کرد.

به عبارت دیگر، گوینده ممکن است برای بیان ارزیابی، نقش‌نمای گفتمانی «حالا» را به عنوان ابزاری برای برجسته کردن بخش خاصی از گفتمان مورد استفاده قرار دهد. در واقع، او می‌تواند از این عنصر زبانی برای تأکید روی زیر-موضوع‌های مهم، برجسته

کردن مراحل مختلف در یک روایت، و یا تأکید روی ترتیب مورد نظر خود در بیان آن مراحل، بهره برداری نماید. مسلماً، پیش زمینه سازی بخشی از گفتمان، مستلزم آن است که گوینده بخش مذکور را در تقابل با سایر بخش‌ها قرار دهد. لذا، کاربرد «حالا» در این نقش را می‌توان بیانگر حرکت این عنصر زبانی به سمت عهده دار شدن کاربرد امتیازی در نظر گرفت:

(۵) مجری: خانم دکتر شما توصیه‌ای کردید به خانم‌های حالا خیلی جوون مثلاً ۱۷ ساله، گفتید اونا هم سونوگرافی سینه رو انجام بدن ... (شبکه سلامت)

برخلاف کاربرد «حالا» برای برجسته نمودن یک بخش خاص، گاهی گوینده با استفاده از این نقش‌نمای گفتمانی، نشان می‌دهد که چند بخش یا چند مورد مطرح شده، ارزش یا اهمیت مساوی داشته و هیچکدام بر بقیه برتری ندارد. این نقش در کنار کاربرد نقطه مقابل آن، یعنی پیش زمینه سازی بخشی از گفتمان، بیانگر پیچیدگی کاربرد این نقش‌نمای گفتمانی در زبان عامیانه و همچنین عمق انشقاق نقشی صورت گرفته در تاریخ تحول این عنصر زبانی است. نمونه زیر ناظر بر این نقش می‌باشد:

(۶) مجری: خانم دکتر شما اشاره کردید به خانم‌هایی که سن هاشون بالاست ۵۰، ۶۰، حالا ۷۰ و اینها، ... (شبکه سلامت)

بعلاوه، نقش‌نمای گفتمانی «حالا» ممکن است برای بیان موقعیت فرضی نیز مورد استفاده قرار گیرد. به عبارت دیگر، گوینده با استفاده از آن، خود و مخاطب را به جهانی فرضی، فراقینی می‌کند. نمونه زیر را در نظر بگیرید:

(۷) در اختلال ریاضی قصه این جوریه که، مثلاً یه بچه عملیات ریاضی رو انجام داده، مثلاً حالا ۵۵ به علاوه مثلاً ۲۲، میگه دو و پنج هفت، بعد دومی میگه دو از پنج سه، یعنی یادش میره که این یه عملیات ریاضیه ... (شبکه قرآن، خانه محبت)

در واقع، بیان موقعیت فرضی، به گوینده اجازه می‌دهد که از مسئولیت گفته یا کنش خود فاصله گرفته و لذا، تعهد خود به صدق گفته بعدی را کاهش دهد. در نمونه (۷)، گوینده که استاد روانشناسی دانشگاه و از چهره‌های علمی مشهور است، همزمان از دو نقش‌نمای گفتمانی (حالا و مثلاً)، در نقش بیان موقعیت فرضی، چهار مرتبه استفاده کرده است تا به مخاطب نشان دهد که آنچه می‌گوید یک نمونه فرضی است که ممکن است در دنیای خارج، دقیقاً به این شکل تحقق نیابد.

علاوه بر نقش‌های ذهنی فوق، گوینده ممکن است با استفاده از نقش‌نمای گفتمانی «حالا»، تعهد خود را به صدق گفته قبلی کاهش داده و یا عدم قطعیت موضعی خود را بیان کند:

(۸) فرشته: تولدش شلوغ بود؟ چند تا اومده بودند؟

راحله: یه ۳۰ تایی، حالا.

در نمونه فوق، گوینده پس از بیان تعداد افراد حاضر در میهمانی، با استفاده از «حالا» نه تنها نشان می‌دهد که این عدد دقیق نبوده و تعداد افراد ممکن است کمتر یا بیشتر بوده باشد، بلکه ارزیابی خود را مطرح کرده و بیان می‌کند که تعداد دقیق افراد، از اهمیت زیادی برخوردار نیست. با این وجود، برخی از نمونه‌های کاربرد «حالا»، نشان می‌دهد که گوینده از این نقش‌نمای گفتمانی استفاده می‌کند تا عدم قطعیت خود را، به صورت موضعی بیان کند. در نمونه زیر، میهمان برنامه که متخصص جراحی زیبایی است، به صورت تخصصی در این مورد صحبت می‌کند. به نظر می‌رسد که مجری برنامه، که در شبکه‌های مختلف تلویزیونی برنامه‌های ادبی را اجرا می‌کند، در مورد موضوع تخصصی مطرح شده، اطلاعات کافی ندارد و عدم قطعیت موضعی خود را در مورد مباحث برنامه، با استفاده از «حالا» به نمایش می‌گذارد:

(۹) مجری: ... اینا حالا وقتی بخواد این ژل تخلیه بشه و دوباره حالا، یا دوباره ژل تزریق بشه یا هر تصمیم دیگری که پزشک معالج بگیره، جای این زخم‌ها چطور ترمیم میشه؟ (شبکه سلامت)

همچنین، گوینده ممکن است از نقش‌نمای گفتمانی «حالا» در نقش استنباط تضمن‌شنونده-محور استفاده نماید.^۱ در نمونه زیر، گوینده ضمن مطرح شده در گفته قبلی مخاطب را، به عنوان یک نتیجه‌گیری بازگو می‌کند و لذا، نقش‌نمای گفتمانی «حالا»، نمایه قابل رؤیت فرایند تعبیر تضمن‌شنونده، توسط گوینده است. این کاربرد، ذهنی است زیرا گوینده نگرش ذهنی و برداشت شخصی خود را به عنوان تعبیر تضمن گفته هم‌صحبت، مطرح می‌کند. اما در عین حال، کاربرد مذکور، بین‌ذهنی و پیش‌انگاشتی (توضیح بیشتر در بخش ۷) نیز می‌باشد. به عبارت دیگر، گوینده نه تنها واکنشی را از مخاطب طلب می‌کند بلکه بر اساس اطلاعات مشترکی که پیش‌انگاشت

۱. برای اطلاع از تفاوت استنباط تضمن‌گوینده-محور و شنونده-محور، به عموزاده و نورا (۱۳۹۳) و نورا (۱۳۹۴) مراجعه نمایید.

می‌گیرد که با مخاطب به اشتراک دارد، تضمن مطرح شده توسط مخاطب را به صورت یک استنباط علنی بیان می‌کند:

(۱۰) افروز: راستی، خواستگاریت به کجا کشید؟

رویا: شانس و اقبال من هسته زردآلوی تلخه!

افروز: حالا برا چی نشد؟

در نهایت، آخرین کاربرد ذهنی نقش‌نمای گفتمانی «حالا» در داده‌های پژوهش حاضر، کاربرد امتیازی است که به صورت هرچند الف/ما ب دگرگویی می‌شود. این کاربرد، نه تنها نقش‌نمای گفتمانی را به یک تمهید و راهبرد گفتمانی غیر مستقیم برای مدیریت موضوع در گفتمان تبدیل می‌کند، بلکه آن را به ابزاری برای تحقق غیرمستقیم کنش گفتارها و تلطیف قدرت آنها مبدل می‌سازد. به عبارت دیگر، استفاده از «حالا» در این نقش، به گوینده امکان می‌دهد که مسئولیت خود را برای کنش گفتار بعدی کاهش داده و با این کار، وجهه خود و مخاطب را حفظ کند. در این راستا، تراگوت (۱۹۸۲) بر این باور است که کلماتی که معنای زمانی دارند، می‌توانند در مسیر تحول معنایی خود عهده دار کاربرد امتیازی شوند. از نظر او، این امر در بردارنده تقابل دیدگاه گوینده با سایر دیدگاه‌ها بوده و متضمن ذهنی شدگی بیشتر است. بعلاوه، میری (۲۰۰۹) نیز معتقد است که کاربرد نقش‌نمای گفتمانی در این نقش، به گوینده امکان می‌دهد که استدلالی را که در ذهن شنونده، به صورت پیش‌انگاشت وجود داشته است، رد یا تکذیب کرده و دیدگاه خود را به صورت دیدگاه برتر، برجسته نماید. در واقع، این کاربرد به گوینده اجازه می‌دهد که مخاطب را از رسیدن به نتیجه‌ای که به صورت بالقوه می‌توانست برسد، منحرف کند. البته، او استفاده از اصطلاح رد توقع^۱ یا رد استنباط^۲ را برای اشاره به این کاربرد نقش‌نمای گفتمانی، همراه کننده می‌داند. در این راستا، کرولز (۲۰۰۰) معتقد است که کاربرد امتیازی، علاوه بر رد توقع، مشتمل بر رد استنباط، رد شواهد، و رد توجیه نیز می‌باشد. او همچنین این نقش را به ترتیب افزایش ذهنی بودن، به چهار دسته محتوایی^۳، معرفتی^۴، کنش گفتاری، و متنی تقسیم کرده و

-
1. expectation denial
 2. inference denial
 3. content concession
 4. epistemic concession

یادآور می‌شود که کاربرد امتیازی هر نقش‌نمای گفتمانی، ممکن است با سایر نقش‌نماهای گفتمانی متفاوت باشد.

نمونه‌های زیر بیانگر انواع کاربردهای امتیازی نقش‌نمای گفتمانی «حالا» به ترتیب افزایش ذهنی‌شدگی می‌باشد:

(۱۱) حالا مه‌ری دیابت داره ولی خب، فشار خونی نیست (سیمین به زن برادرش)

(۱۲) حالا حاج حسن خونه و ماشینش رو فروخت اما ورشکست نشده! (گفتگوی دو کاسب)

(۱۳) حالا من که نیام، شیرازم، ولی به مرتضی یه زنگی بزن، بدش نیامد هومن رو ببینه (گفتگوی دو دوست)

(۱۴) حالا درسته می‌گیم طه مشکل پسنده، ولی هیچکدوم اون دخترا هم براش مناسب نبودند. مثلاً اونی که دبیر بود ... (دختر به مادر)

نمونه (۱۱) بیانگر نقش محتوایی کاربرد امتیازی است. به عبارت دیگر، گوینده دو بخش را در تقابل با هم قرار داده است و هر بخش به وضعیت اموری در جهان فیزیکی مربوط بوده و او قصد برجسته کردن یکی از آنها را دارد. با این حال، نقش محتوایی کمتر از سایر نقش‌های کاربرد امتیازی، ذهنی می‌باشد.

نمونه (۱۲) بیانگر نقش معرفتی کاربرد امتیازی است که بواسطه آن، گوینده سعی دارد نتیجه‌گیری بالقوه‌ای را که احتمال می‌دهد به دلیل بخش‌های قبلی گفتمان، در ذهن مخاطب شکل گرفته باشد، رد نماید. در عین حال، نتیجه‌گیری‌های بالقوه در چنین نمونه‌هایی، می‌تواند بیانگر یک توقع، استنباط یا توجیه باشد. چنین مواردی نشان می‌دهند که گوینده واکنش مخاطب را پیش‌بینی کرده و احتمال می‌دهد که او بر اساس دانش از جهان خارج و یا دانش موقعیتی، به نتیجه‌گیری خاصی برسد. لذا، گوینده هوشمندانه با استفاده از کاربرد امتیازی، از چنین نتیجه‌گیری ممانعت می‌کند تا دیدگاه خود را برجسته نماید. به عنوان مثال، در نمونه (۱۲)، نقش معرفتی کاربرد امتیازی، به منظور رد استنباط مورد استفاده قرار گرفته است زیرا گوینده در عین حال که می‌پذیرد شواهدی دال بر ورشکستگی حاج حسن وجود دارد، اما استنباط حاصل از این شواهد را رد می‌کند.

نمونه (۱۳) نیز بیانگر نقش کنش‌گفتاری کاربرد امتیازی است که بواسطه آن گوینده کنش گفتار امر را برجسته کرده است. نمونه (۱۴) نیز، بیانگر نقش متنی

کاربرد امتیازی است که از طریق آن گوینده سعی دارد ضمن امتیاز بخشیدن به دیدگاه خود، زمینه را برای ادامه گفتمان در قالب استدلال و یا توضیح فراهم کند.

۶- نقش بین ذهنی (مؤلفه تعامل گوینده و شنونده)

گویشوران زبان فارسی، از نقش‌نمای گفتمانی «حالا» برای تمرکز روی نیازهای ارتباطی مخاطب استفاده کرده و لذا، این نقش‌نمای گفتمانی عهده دار انواع معانی بین ذهنی مرتبط با مؤلفه تعامل گوینده و شنونده، از مجموع مؤلفه‌های موقعیت گفتمان شده است. بررسی داده‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که گاهی گوینده با استفاده از نقش‌نمای گفتمانی «حالا»، بخش خاصی از گفتمان را در کانون توجه اشتراکی خود و مخاطب قرار داده و توجه او را به صورت خاص به آن بخش جلب می‌کند.

(۱۵) پزشک متخصص: بحث پُلپ و انحراف بینی رو خیلی تو جامعه با هم اشتباه می‌کنند، خیلی از مواقع، حالا حتی همکاران خودمون، وقتی حالا مریض مراجعه می‌کنه به همکاران پزشک عمومی، میگن شما پلپ دارید و باید مثلاً درمان کنید، در حالی که اینطور نیست ... (شبکه سلامت)

در نمونه فوق، گوینده دو دفعه، از نقش‌نمای گفتمانی «حالا»، در نقش بین ذهنی استفاده کرده است. کاربرد اول، ناظر بر نقش بین ذهنی متنی است چون با استفاده از آن، گوینده گفته بعدی را در کانون توجه اشتراکی قرار داده است. با این حال، کاربرد دوم بیانگر نقش بین ذهنی نگرشی است. در واقع، این کاربرد علاوه بر این که بیانگر نقش ذهنی در نظر گرفتن بخش‌های قبلی گفتمان است (اشتباه گرفتن پلپ و انحراف بینی)، تهدید وجهه ناشی از گفته بعدی را (تشخیص غلط) برای پزشکان عمومی، که به نوعی همکار گوینده و احتمالاً بیننده برنامه هستند، کاهش می‌دهد. لذا، این کاربرد، بین ذهنی نگرشی می‌باشد.

به عبارت دیگر، گاهی کاربرد نقش‌نمای گفتمانی «حالا» به منظور کاهش تهدید وجهه مخاطب بوده و لذا، بین ذهنی نگرشی است. علاوه بر مواردی مانند نمونه (۱۵)، گوینده ممکن است برای کاهش تهدید وجهه، نقش‌نمای گفتمانی «حالا» را به همراه قید ترتیب «بعد»، و یا به صورت یک گفته مستقل، به کار برد:

(۱۶) مادر: میرم ببینم آقای صدری شیر آورده یا نه، تا بر می‌گردم یه جارو بکش! دختر: حالا بعد.

(۱۷) لیلا شانسش گفت، خوب شوهری گیرش اومد مگه نه؟ (زهرة به مادرش)

مادر: حالا.

در نمونه (۱۶)، مخاطب در خواستی را مطرح کرده است و گوینده به دلیلی مایل نیست که آن درخواست را فوراً انجام دهد. لذا، او از نقش‌نمای گفتمانی «حالا»، در نقش ذهنی در نظر گیری استفاده می‌کند تا تهدید وجهه ناشی از این به تعویق انداختن را کاهش دهد. این کاربرد را می‌توان به این صورت دگرگویی کرد: درخواست شما را در نظر می‌گیرم اما بعداً انجام می‌دهم. در نمونه مذکور، گوینده می‌توانست بگوید: باشه/ چشم/ قبول، اما بعداً انجام می‌دهم. با این وجود، او هوشمندانه ویژگی اشاره‌ای «حالا» را، به جهان گفتمان منتقل کرده و از آن به عنوان راهبردی گفتمانی استفاده می‌کند تا فاصله زمانی بین انجام درخواست و زمان مطرح شدن آن را به حداقل برساند و به مخاطب اطمینان دهد که در خواست او در آینده نزدیک اما نامشخص، انجام خواهد شد.

در نمونه (۱۷)، گوینده از نقش‌نمای گفتمانی «حالا»، به عنوان کنش گفتار غیر مستقیمی برای مخالفت با دیدگاه مخاطب، و تمهیدی برای طفره رفتن از ارائه پاسخ صریح، استفاده کرده است و این کار، کمتر از ارائه پاسخ نامرجح، وجهه طرفین را تهدید می‌کند. در واقع، او به جای این که صراحتاً بگوید که با شما موافق نیستم و از مواردی مطلع هستم که نشان می‌دهد که این‌گونه نیست، از نقش‌نمای گفتمانی «حالا» استفاده کرده و استنباط دیدگاه و یا مخالفت خود را، به مخاطب واگذار می‌کند. در این راستا، چنل^۱ (۱۹۹۴) معتقد است که استفاده از عبارات مبهم در پاسخ، راهبردی ارتباطی برای حفظ وجهه گوینده و مخاطب است. جوکر^۲ و دیگران (۲۰۰۳) نیز، بر این باورند که ممکن است عبارات مبهم و گنگ، در انتقال دادن معنای مورد نظر گوینده، بسیار مؤثرتر از عبارات شفاف باشند. همچنین، این نوع عبارات، می‌توانند نقش‌های گفتمانی و کاربرد شناختی ایفا کنند مثل تلطیف کردن توان منظوری کنش‌های تهدید کننده وجهه.

1. Channell, J.

2. Jucker, A.

علاوه بر نقش‌های بین ذهنی فوق، در مواردی که به منظور تداوم گفتمان، گوینده واکنشی رفتاری و یا شناختی را از مخاطب مطالبه می‌کند، کاربرد نقش‌نمای گفتمانی «حالا»، بیانگر نقش بین ذهنی واکنشی می‌باشد.

(۱۸) کارشناس: آمریکا در ساز و کار و نتایج انتخابات کار شکنی می‌کند، حالا چرا این کارو می‌کنه چون ... (شبکه ۲، گفتگوی خبری)

در نمونه فوق، گوینده با استفاده از «حالا» یک پرسش بلاغی را مطرح نموده است. این کار، تمهیدی گفتمانی است تا او مخاطب را، بیشتر درگیر تعامل کرده، واکنشی شناختی را (در حد تفکر) از او مطالبه کرده، و جلب موافقت او را تسهیل نماید.

همچنین، نقش‌نمای گفتمانی «حالا» ممکن است به منظور افزایش همبستگی بین مشارکین گفتمان مورد استفاده قرار گیرد. در این کاربرد، استفاده از «حالا» را می‌توان به صورت *راستش واقعیت اینه که، دگرگویی کرد. در واقع، گوینده به مخاطب می‌فهماند که به دلیل احساس صمیمیت و همبستگی که با او دارد، واقعیت را بدون لفافه مطرح می‌کند. این کاربرد را عموزاده و نورا (۱۳۹۳)، بین ذهنی همبستگی محور نامگذاری کرده‌اند:*

(۱۹) مهری: بذار نوید با همون دختره، همکلاسیش، ازدواج کنه!

زهره: حالا خودم هم همینو میگم، منتها حاج مصطفی راضی نیست! (گفتگوی دو خواهر)

۷- نقش پیش‌انگاشتی (مؤلفه دانش از جهان خارج)

کالتن باخ و دیگران (۲۰۱۱) معتقدند که از مجموع مؤلفه‌های موقعیت گفتمان، سه مؤلفه فوق‌الذکر در تکامل نقش نماهای گفتمانی نقش کلیدی دارند و سایر مؤلفه‌ها در ظهور سایر معترضه‌ها نقش ایفا می‌کنند. با این وجود، بررسی کاربردهای «حالا» در زبان فارسی عامیانه نشان می‌دهد که در برخی کاربردها، مؤلفه دانش از جهان خارج (اطلاعات کاربردشناختی) از مجموع مؤلفه‌های موقعیت گفتمان، برجستگی بیشتری می‌یابد و این در تحول معنایی نقش نماهای گفتمانی سایر زبان‌ها دیده نشده و لذا، عموزاده و نورا (۱۳۹۳)، این کاربرد را *پیش‌انگاشتی نامگذاری* نموده‌اند. مثال زیر را در نظر بگیرید:

(۲۰) هستی: رویا با خانم صادقی حرفش شد، یه چیزای رکیکی گفت که نگوا!

شهره: حالا تحصیل کرده هم هست آ! (گفتگوی دو خواهر)
در نمونه فوق «حالا» در معنای «به اصطلاح» بکار رفته و خلاف انتظار بودن را می‌رساند. به عبارت دیگر، گوینده دانش مشترک خود و مخاطب از جهان را پیش‌انگاشت می‌گیرد و با استفاده از «حالا» به مخاطب پیش‌آگاهی می‌دهد که این دانش مشترک به چالش کشیده شده است. در نمونه مذکور، گوینده این دانش مشترک را پیش‌انگاشت می‌گیرد که افراد تحصیل کرده با شخصیت بوده و یک نمونه از این ویژگی، عفت کلام داشتن است. او با استفاده از «حالا» این تضمن مکالمه‌ای را مطرح می‌کند که بر خلاف پیش‌انگاشت فوق، افراد مذکور الزاماً عفت کلام ندارند.

۸- نتیجه

تحول معنایی نقش‌نمای گفتمانی «حالا» در زبان فارسی عامیانه، حرکت این عنصر زبانی را در امتداد گرایش‌های تغییر معنایی تراگوت (۱۹۸۹: ۳۵-۳۴) تأیید می‌کند و نشان می‌دهد که معنای آن، به تدریج از مرتبط بودن با جهان خارج، فاصله گرفته و به جهان ذهن گوینده منتقل شده است. با این وجود، بر خلاف دیدگاه تراگوت، که برگرفته از مشاهدات او در مورد زبان‌های اروپایی است، حداقل در زبان فارسی، گرایش سوم در تغییر معنایی، آخرین مرحله در تحول معنایی نقش‌نمای گفتمانی مذکور نمی‌باشد. به عبارت دیگر، گرایش سوم تغییر معنایی تراگوت (۱۹۸۹)، و حتی طیف ذهنی‌شدگی تراگوت و داشر (۲۰۰۲) نشان می‌دهد که از نظر تراگوت، در (۲۰۱۰)، و دگاند و وندنبرگن (۲۰۱۱)، بین ذهنی‌شدگی، نقطه پایان تحول معنایی نقش‌نماهای گفتمانی است. با این وجود، کاربرد پیش‌انگاشتی نقش‌نمای گفتمانی مورد بررسی در این مطالعه، نشان می‌دهد که این گونه نیست. لذا، می‌توان به گرایش‌های سه‌گانه تغییر معنایی تراگوت (۱۹۸۹: ۳۵-۳۴)، گرایش حرکت از معنای بین‌ذهنی به معنای مرتبط با مؤلفه دانش از جهان خارج را نیز افزود. بعلاوه، اکتساب معنای پیش‌انگاشتی توسط نقش‌نمای گفتمانی «حالا»، دیدگاه اکارت (۲۰۰۹) را تأیید کرده و نشان می‌دهد که علاوه بر تضمن، پیش‌انگاشت نیز، نیروی پیش‌برنده‌ای در تغییر معنا می‌باشد.
در واقع، نکته فوق می‌تواند محدودیت دیدگاه تراگوت و همچنین، افرادی مثل در (۲۰۱۰) و دگاند و وندنبرگن (۲۰۱۱) را، در مقایسه با دیدگاه کالتن باخ و دیگران (۲۰۱۱) نشان دهد. به عبارت دیگر، تراگوت و طرفداران دیدگاه او معتقدند که تکامل

معنایی نقش‌نماهای گفتمانی، در امتداد طیف غیرگزاره‌ای شدن (گزاره‌ای (< متنی) < (بین) ذهنی) پیش رفته و بین ذهنی شدگی، نقطه پایان تحول معنایی تلقی می‌شود. این در حالی است که نظریه پردازان دستور گفتمان، معتقدند که معانی اکتساب شده توسط نقش‌نماهای گفتمانی، از نظر تنوع، محدودیت ندارد زیرا این معانی، به مؤلفه‌های مختلف و در هم پیچیده موقعیت گفتمان مرتبط است. لذا، طیف‌های بیانگر تغییر معنایی نقش‌نماهای گفتمانی، ممکن است در زبان‌های مختلف، به اقتضای کسب معانی مرتبط با مؤلفه‌های متفاوت موقعیت گفتمان، متفاوت باشند. همانگونه که ملاحظه می‌کنید، دیدگاه فوق، برتری دیدگاه دستور گفتمان به دستوری شدن نقش‌نماهای گفتمانی را، در مقایسه با دیدگاه تراگوت و داشر (۲۰۰۲) و سایر محققین فوق‌الذکر نمایان می‌کند.

در مجموع، مشاهدات فوق نشان می‌دهد که نقش‌نمای گفتمانی «حالا»، در مقایسه با سایر نقش‌نماهای متعارف، از پیچیدگی نقشی بیشتری برخوردار بوده و در مسیر تحول معنایی، فراتر از ذهنی شدگی و بین ذهنی شدگی پیشروی کرده است. بنابراین، به نظر می‌رسد که در مورد نقش‌نمای گفتمانی مذکور در زبان فارسی، باید طیف ذهنی شدگی مطرح شده توسط تراگوت و داشر (۲۰۰۲: ۳۴) و یا طیف غیرگزاره‌ای شدن تراگوت (۱۹۸۲: ۲۵۶-۲۵۲) را قدری تغییر داد. به عبارت دیگر، پژوهش حاضر نشان می‌دهد که طیف‌های زیر بهتر می‌تواند رفتار نقش‌نمای گفتمانی «حالا» را در زبان عامیانه بیان کند:

(۲) گزاره‌ای (< متنی) < (بین)ذهنی < پیش انگاشتی

(۳) غیر ذهنی < ذهنی < بین ذهنی < پیش انگاشتی

منابع

- انوری، حسن (۱۳۸۲). فرهنگ فشرده سخن، تهران، انتشارات سخن.
- ذوقدار مقدم، رضا (۱۳۸۱). نقش‌نماهای گفتمانی و کارکرد آنها در زبان فارسی معاصر، رساله دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه اصفهان.
- صدری، غلامرضا؛ حکمی، نسرین؛ حکمی، نسترن (۱۳۸۲). فرهنگ معاصر فارسی، تهران، انتشارات فرهنگ معاصر.
- عموزاده، محمد و نورا، اعظم (۱۳۹۳). دستوری شدن تسلسلی عبارت «یعنی» از منظر دستور گفتمان، پژوهش‌های زبانی، سال پنجم، شماره ۱، ۹۳-۷۵.

عمید، حسن (۱۳۴۲). فرهنگ فارسی عمید، تهران، انتشارات ابن سینا.
معین، محمد (۱۳۷۴). فرهنگ معین، تهران، انتشارات امیر کبیر.
نورا، اعظم (۱۳۹۴). بررسی ابعاد دستوری شدن نقش‌نماهای گفتمان در فارسی روزمره، رسالهٔ دکتری
زیانسناسی، دانشگاه اصفهان.

- Aijmer, K. 2002. *English discourse particles*, Amsterdam: John Benjamins Publishing Company.
- Channell, J. 1994. *Vague language*. Oxford: Oxford University Press.
- Chor, W. 2013. From direction to positive evaluation: On the grammaticalization, subjectification and intersubjectification of fann 'return' in Cantonese, *Language and Linguistics*, 14(1): 91-134.
- Crevels, M. 2000. Concessives on different semantic levels: A typological perspective, In E. Couper-Kihlem and B. Kortmann (eds.), *Cause-condition-concession-contrast, cognitive and discourse perspectives*, (313-340), New York: Mouton de Gruyter.
- Defour, T. 2007. A diachronic study of the pragmatic markers well and now, Doctoral dissertation, Universiteit Gent, Faculteit Letteren en Wijsbegeerte Vakgroep Engels.
- Degand, L. and A. Simon Vandenberg. 2011. Introduction: Grammaticalization and (inter)subjectification of discourse markers, *Linguistics*, 49(2): 287-294.
- Dér, C. 2010. On the status of discourse markers, *Acta Linguistica Hungarica*, 57(1): 3-28.
- Eckardt, R. 2009. Avoid pragmatic overload, In M. M. Hansen & M. J. Visconti (eds.), *Current trends in diachronic semantics and pragmatics* (21-41), Bingerly: Emerland.
- Ghesquiere, L., L. Brems & F. Velde. 2012. Intersubjectivity and intersubjectification: Typology and operationalization, *Journal of English Text Construction*, 5(1): 128-152.
- Halliday, M. A. K., and R. Hasan. 1976. *Cohesion in English*, London: Longman.
- Jucker, A., S. Smith & T. Ludge. 2003. Interactive aspects of vagueness in conversation, *Journal of Pragmatics*, 35: 1737-1769.
- Kaltenbock, G., B. Heine and T. Kuteva. 2011. On thetical grammar, *Studies in Languages*, 35 (4): 848-893.
- Levinson, S. C. 1983. *Pragmatics*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Miri, H. 2009. Relevance theory and procedural meaning: The semantics and pragmatics of discourse markers in English and Arabic Doctoral dissertation, Newcastle University.
- Nuyts, J. 2012. Notions of (inter)subjectivity, *Journal of English Text Construction*, 5(1): 52-77.

- Ostman, J. 1995. Pragmatic particles twenty years after, In B. Wavik, S. K. Tanskanen & R. Hiltunen (eds.), *Organization in discourse* (95-108), Department of English, University of Turku, Finland.
- Schiffrin, D. 1987. *Discourse markers*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Traugott, E. 1982. From propositional to textual and expressive meanings : Some semantic-pragmatic aspects of grammaticalization, In W. P. Lehman & Y. Malkiel (eds.), *Perspectives on historical linguistics*, (245-272), Amsterdam: John Benjamins Publishing Company.
- Traugott, E. 1989. On the rise of epistemic meaning in English: An example of subjectification in semantic change, *Language*, 65(1): 31-55.
- Traugott, E. 2010. (Inter)subjectivity and (inter)subjectification: A reassessment, In K. Davidse, L. Vandelanotte & H. Cuyckens (eds.), *Subjectification, intersubjectification and grammaticalization* (29-70), Berlin: De Gruyter Mouton.
- Traugott, E. and R. Dasher. 2002. *Regularity in semantic change*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Traugott, E. & E. König. 1991. The semantics-pragmatics of grammaticalization revisited, In E. Traugott & B. Heine (eds.), *Approaches to grammaticalization* (189-214), Amsterdam: John Benjamins Publishing Company.